

# سهم نفرات برتر کنکور از مدارس دولتی فقط 2/5 درصد رتبه‌های خاص در مدارس خاص

## گروه اجتماعی

بازهم مهاجرت مدارس دولتی عادی در کسب رتبه‌های برتر کنکور، مشهود است و نمی‌توان بر این واقعیت تلخ سرپوش نهاد که نوع مدرسه بر کسب نتایج کنکور تأثیر بسزایی دارد و بر مبنای استدلال کارشناسان نظام تعلیم و تربیت، ترکیب ناهمگون جمعیتی انواع مدارس عمدتاً حاصل جداسازی دانش‌آموزان و تفکیک آن‌ها بر اساس پایگاه اجتماعی و درآمدی خانواده است و توزیع ناموزون دانش‌آموزان باعث پسرفت مدارس دولتی شده و سالانه نتایج آن در رتبه‌های برتر کنکور نمایان است.

امسال هم به سیاق سال‌های گذشته، رتبه‌های اول تا دهم کنکور در گروه‌های پنجگانه به دانش‌آموزان مدارس خاص رسیده و به این ترتیب، 72 درصدی رتبه‌های برتر متعلق به دانش‌آموزان مدارس سمپاد است و دانش‌آموزان غیرانتفاعی با سهم 23 درصدی، در رتبه دوم قرار دارند. رقم ناچیز 5/2 درصدی نیز سهم مدارس دولتی است. اما این اعداد و ارقام فقط یک روی سکه است و روی دیگر آن، بازتولید طبقات اجتماعی در نظام آموزشی و کوتاه ماندن دست دانش‌آموزان مدارس دولتی عادی از دانشگاه‌ها و رشته‌های برتر است.

با تأیید استعداد و هوش بالای نفرات برتر کنکور، آنچه به عنوان پرسشی جدی به ذهن خطور می‌کند، این است که در میان دانش‌آموزان مدارس دولتی که سهم آن‌ها در میان رتبه‌های برتر کنکور صفر و یا ناچیز است، هیچ استعداد برتری وجود ندارد؟ تا چه میزان امکانات آموزشی مدارس خاص در موفقیت دانش‌آموزان تأثیرگذار است؟

## تجمیع استعدادهای برتر در مدارس خاص

پرسشهایی که مطابق نگاه کارشناسی «محمد داوری»، مهم است و باید از ابعاد مختلف بررسی شود. این کارشناس ارشد نظام آموزشی با تکیه بر داده‌های آماری امسال و سال‌های گذشته به «رسالت» می‌گوید: «پراکندگی رتبه‌های برتر کنکور از لحاظ منطقه‌ای و مدرسه‌ای، متمرکز بر مناطق و مدارس خاص است و این داده‌های آماری باید از چند جنبه مورد بررسی قرار گیرد، اول این‌که آیا مدارس خاص به دلیل برنامه‌ها و کیفیت آموزشی رتبه‌های برتر را به خود اختصاص داده

اند و یا این موضوع به تجمیع استعدادهای برتر بازمی‌گردد که پاسخ به این موارد، مستلزم تحقیق و پژوهش است، اما در بعضی موارد این مسئله به ویژه برای کسانی که با مدارس در ارتباط هستند به وضوح روشن است.

در نگاه اول، مدارس خاص شرط معدل دارند و پس از برگزاری آزمون ورودی، افراد برتر را جذب می‌کنند و سهم‌شان از نفرات برتر کنکور بالا می‌رود، بنابراین تجمیع استعدادهای برتر، هنر و معجزه نیست و حتی جای تقدیر هم ندارد، فقط منجر به انحراف اذهان عمومی و تبلیغات کاذب برای مدارس خاص شده است. گاهی خلاف این مسئله اتفاق افتاده و رتبه‌های برتر از میان مدارس عادی و مناطق دور افتاده و محروم بوده‌اند و با توجه به سهم مدرسه، این موضوع بیانگر عدم عدالت آموزشی است. تنوع مدارس همیشه مورد انتقاد بوده؛ واقعیت این است که مدارس ما به طور عموم ناکارآمدند و مدارس خاص، دانش‌آموزان خاص را تجمیع می‌کنند و ارائه آمار، تبلیغات کاذبی است که نقش این مدارس را بیش از آنکه واقعیت داشته باشد، پررنگ جلوه می‌دهد.»

داوری با گریزی به پیشتازی دانش‌آموزان شهرستانی در کسب رتبه‌های برتر، عنوان می‌کند: «در برخی سال‌ها همانند کنکور امسال این اتفاق رخ داده که آن را نشانه خوبی می‌دانم؛ به این علت که در مرتبه اول، تلاش و استعداد دانش‌آموزان بسیار مهم است، در مرتبه دوم، حمایت‌های خانواده و در مراتب بعدی، مدرسه و معلم و مؤسسات کنکوری قرار دارند و پیام این مسئله، ناهنجاری و ناکارآمدی و سیستم‌ها و بسترهایی است که باعث ایجاد اضطراب شده و بودجه خانواده‌ها را با تمرکز بر مدارس خاص می‌بلعد. بی‌تردید در بین دو نظام آموزشی ناکارآمد یعنی آموزش عمومی و عالی، حلقه‌های واسطه غیرعادلانه و غیرکارشناسانه به اسم مافیای کنکور و مدارس خاص بسیار آسیب‌زننده است.»

«گستره وسیعی از مدارس خاص، آماده‌سازی برای کنکور را یکی از کارویژه‌های اصلی و حتی یکی از اهداف راهبردی خود تعریف کرده‌اند.» گوینده این عبارت، «شهرام جمالی» از کارشناسان نظام آموزشی است که تأثیر نوع مدرسه بر کسب نتیجه در کنکور را از زوایای مختلف مورد توجه قرار داده و با برشمردن ترکیب ناهمگون جمعیتی انواع مدارس به عنوان یکی از موارد مهم، توضیح می‌دهد: «این ترکیب ناهمگون عمدتاً حاصل تفکیک دانش‌آموزان و تمایز آن‌ها بر اساس طبقه اجتماعی و درآمدی خانواده است، این جداسازی که رویکرد خانواده‌ها و نظام آموزشی به‌طور همزمان اما به نسبت‌های متفاوتی در شکل‌گیری آن مؤثر بوده خصوصاً طی سه دهه گذشته، تغییرات گسترده‌ای

در شکل‌دهی به ترکیب جمعیتی دانش‌آموزان مدارس ایجاد کرده است. گسترش شکاف طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی و تمایل خانواده‌های طبقه برخوردارتر به ثبت‌نام فرزندانشان در مدارس خاص و از طرف دیگر، سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی مثل نخبه‌پروری و توسعه مدارس خاص که عمدتاً با توجه به میزان درآمد خانواده‌ها و با استفاده از فیلترهایی مثل مصاحبه و آزمون اجرا می‌شوند، ضمن این‌ها که تنوع گسترده‌ای را در مدارس به وجود آورده، تأثیرات چشمگیری بر فراوانی دانش‌آموزان خاص و ناهمگونی جامعه آماری دانش‌آموزان مدارس کشور از نظر اقتصادی، علمی و فرهنگی برجای گذاشته است.

به این ترتیب، عامل دیگری که در همین مورد و در ارتباط با عامل قبلی، شکل گرفته است، سیاست‌گذاری‌ها و چگونگی عملکرد انواع مدارس در مواجهه با موضوع کنکور بوده است.»

به اذعان دغدغه‌مندان نظام تعلیم و تربیت، مادامی که تعدد و تنوع مدارس به شکل کنونی وجود داشته باشد، چنین وضعیتی هم تداوم دارد و از سوی میان ثروت و کسب رتبه برتر ارتباط معناداری حاکم است. جمالی در توضیح این مسئله، می‌گوید: «بیشتر دانش‌آموزانی که در رقابت کنکور رتبه‌های بالاتری را از آن خود می‌کنند، معمولاً امتیازات بیشتری در پیشینه شخصی و خانوادگی خود دارند که هرچند بعضی از این امتیازات به توانمندی‌های ذاتی و اکتسابی آن‌ها مثل هوش و استعداد تحصیلی یا علاقه‌مندی و سخت‌کوشی و ... مرتبط است ولی از سوی باید این را هم در نظر گرفت که سرمایه‌گذاری‌های فکری و اقتصادی دانش‌آموزان، خانواده‌ها و مدارس برای موفقیت در کنکور بیشتر با هدف کسب مهارت‌هایی است که نظام کنکور طلب می‌کند و متأسفانه بخش بزرگی از این موارد محدود به یکسری مهارت‌های شناختی است که در نظام عرضه و تقاضای بازار کنکور تبدیل به مهارت‌ها و شناخت ترفندهای تست‌زنی شده است از این رو خانواده‌هایی که اغلب از مزیت نسبی ثروت برخوردار بوده و قادر به خرید امکانات و تأمین هزینه‌های ویژه کنکور فرزندان خود بوده‌اند « اعم از کتاب‌های کمک‌درسی، کلاس‌های خصوصی و ...» موفقیت بیشتری کسب کرده‌اند.»

دانش‌آموزان مدارس دولتی عادی از چنین امکاناتی بی‌بهره‌اند، بنابراین تحلیل‌هایی که نتایج کنکور را نشانه ضعف و ناکارآمدی مدارس دولتی نشان می‌دهند و یا به شکلی جزئی‌تر، این ناکارآمدی را به طور عمده متوجه معلمان مدارس دولتی می‌کنند به نظر چندان درست و دقیق نیستند واقعیت این است که مدارس خاص، صرفاً به دلیل توانمندی‌های مالی و درآمدی، امکان ایجاد فرصت‌های بیشتری در بهره‌مندی از معلمان را در برنامه‌ریزی درسی فوق برنامه خود دارند که از قضا اغلب این معلمان در مدارس دولتی نیز تدریس می‌کنند.

## وقتی مدارس دولتی مظلوم واقع می شوند

«کتایون خزعلی» معلمی است که در مدارس سمپاد تدریس می‌کند و در پاسخ به پرسش خبرگزار نسیم که چرا مدارس دولتی بین نفرات برتر کنکور سهمی ندارند، می‌گوید: «مدارس دولتی مظلوم واقع شده‌اند، مدیران این مدارس مشکلات فراوانی دارند.

سرانه مدرسه کفاف هزینه‌ها را نمی‌دهد که البته این سرانه ناچیز هم پرداخت نمی‌شود. کیفیت آموزشی در مدارس دولتی از سطح قابل قبولی برخوردار نیست، نظارت بر عملکرد دبیران در مدارس خاص به خصوص سمپاد خیلی بیشتر از مدارس دولتی است و این باعث می‌شود دبیران سمپاد و مدارس خاص تلاش مضاعفی در امر تدریس داشته باشند. دبیر در مدرسه سمپاد اگر مورد تأیید دانش‌آموزان نباشد باید مدرسه را ترک کند و دست مدیر در انتخاب و گزینش دبیر باز است ولی در مدارس دولتی دست مدیر در انتخاب دبیر بسته است. از سوی دیگر امکانات آموزشی در مدارس خاص با دولتی قابل قیاس نیست؛ در مدارس خاص به خواسته‌های دانش‌آموزان در حد امکان توجه و به تقاضای آنان اهمیت می‌دهند ولی در مدارس دولتی امکاناتی وجود ندارد. در مدارس خاص کلاس‌های متنوع برای دانش‌آموزان از تست‌زنی تا جبرانی و تقویتی برگزار می‌شود. خانواده‌ها حاضرند هر هزینه و شهریه‌ای را پرداخت کنند تا فرزندشان از آموزش باکیفیت بهره‌مند شود؛ در مناطق محروم دانش‌آموزان از داشتن امکانات اولیه آموزشی مثل میز، نیمکت و تخته سیاه برخوردار نیستند چه برسد به کلاس کنکور و تقویتی. مسلماً نمی‌شود توقع رتبه برتر کنکور را از این مدارس داشت. امری بدیهی است، مدرسه‌ای که معلم برتر و امکانات برتر داشته باشد رتبه برتر هم خواهد داشت و برعکس سهم صفر و یا ناچیز نفرات برتر نصیب مدارس دولتی خواهد شد.»

## ناکامی قابل پیش‌بینی مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی

با معرفی نفرات برتر کنکور، پرونده آزمون ورود به دانشگاه‌ها به شیوه فعلی بسته و پرونده مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی با قطعی شدن تأثیر معدل نهایی سه سال دوره دبیرستان در پذیرش دانشجو باز می‌شود، آیا این مصوبه با توجه به کیفیت متفاوت انواع مدارس، قادر به برقراری عدالت آموزشی است؟

«محمد محمدی»، کارشناس آموزش به این مسئله خوشبین نیست و در گفت‌وگو با «رساله» بیان می‌کند: «مادامی که کیفیت در مدارس یکسان نباشد و مدارس دولتی با داشتن تراکم دانش‌آموزی بالا حتی بعضاً از تأمین دبیر تخصصی هم عاجزند؛ شیوه آزمون ورود به دانشگاه و تأثیر معدل امتحانات تشریحی- نهایی تفاوتی در نتیجه ایجاد نمی‌کند و دانش‌آموزان باید علاوه بر تهیه کتاب‌های تستی، کتب تشریحی

مربوط به امتحانات نهایی را هم تهیه کنند، در غیر این صورت از گردونه رقابت بیرون رانده می شوند.»

محمدی، تأثیر میزان درآمد و سطح رفاه اقتصادی داوطلبان بر نتیجه کنکور را امری اثبات شده عنوان و بنا بر اظهارات مدیر کل دفتر تدوین و راهبری اسناد و سیاست های آموزش و پژوهش ستاد علم و فناوری دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی می گوید:

«۵۵ درصد قبولی فنی دانشگاه صنعتی شریف از دهک دهم درآمدی و ۸۰ درصد قبولی های زیر ۳ هزار در دهک های ۸ تا ۱۰ درآمدی قرار دارند.»

«مجید علیپور» از مدیران مدرسه و فعالان حوزه تعلیم و تربیت نیز در گفت و گو با «رسالت» ناکامی مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در برقراری عدالت آموزشی را پیش بینی و تأکید می کند، «تحلیل داده های آماری مرتبط با کنکور نشان می دهد، نظام آموزشی مبتنی بر ساختارهای نابرابر است و در چنین ساختاری، رشته های پرطرفدار به فارغ التحصیلان مدارس خاص و فرزندان طبقات برخوردار می رسد.

بنابراین مصوبه جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی به تحقق عدالت آموزشی منتهی نخواهد شد و به آسانی می توان ادعاهای بزرگ و کلی این شورا و ناکامی در دستیابی به عدالت را پیش بینی کرد. نمی توان فرآیندی که منجر به ایجاد و تعمیق روزافزون شکاف در کیفیت آموزش بین دانش آموزان طبقات محروم با دانش آموزان طبقات برخوردار و یا محصلان مدارس خاص می شود را به روز کنکور و قابلیت های تست زنی آنها تقلیل و یا آن را ناچیز جلوه دهیم. از سوی دیگر نه تنها تغییر حوزه فعالیت مؤسسات موسوم به کنکور از مهارت های تست زنی در روش های پاسخ به پرسش های تشریحی کار دشواری نیست بلکه ظهور مفسده های جدید در «بازار نمره» و آلوده شدن دامن مدارس به آن نیز از معضلات قابل پیش بینی برای ناکام ماندن طرح هایی از این دست است.»

علیپور معتقد است: «باز گذاشتن دست دانشگاه ها در گزینش و جذب دانشجو با لحاظ تمهیداتی مثل تبعیض مثبت به نفع داوطلبان مناطق کمتر برخوردار، مفسده ها و اشکالات به مراتب کمتری نسبت به طرح های این چنینی در پی خواهد داشت.»

«بی تردید با اجرای مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تفاوتی در نتایج حاصل نمی شود.»

«حجت الله بنیادی» از پژوهشگران نظام آموزشی با بیان این جمله، به «رسالت» می گوید: «پس از اجرای این مصوبه، بازهم دانش آموزان مدارس دولتی عادی سهمی از نمرات برتر کسب نمی کنند. وقتی شیوه پذیرش کنونی، ناصحیح و مبنای آن اطلاعات واقعی نیست و اطلاعات

محدود به دوره خاصی از تحصیل است؛ با شیوه جدید هم این رویه تکرار می شود، یعنی تفاوتی در توزیع عادلانه پذیرش نخواهیم داشت و به نوعی همان ناعدالتی که تا اکنون برقرار بوده، به شکل دیگری ادامه می یابد. همان کسانی که به امکانات برتر برای ورود به دانشگاه دسترسی دارند، به شکلی دیگر به همان امکانات، برای کسب معدل های بالاتر هم دسترسی دارند. امسال با توجه به مطرح شدن شائبه تقلب و عدم شفافیت در کنکور، بسیاری از خانواده ها و دانش آموزان مضطرب و نگران بودند و سال بعد با اضافه شدن بحث معدل و امکان تقلب در امتحان نهایی، به دلیل آنکه نظارت دشوارتر است، نگرانی و عدم اعتماد خانواده ها و دانش آموزان نسبت به نظام آموزشی کشور و نظام پذیرش دانشجو تشدید می شود.»

البته نحوه و چگونگی اجرای مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی هم در خورتوجه است، با این حال «محمد داوری»، کارشناس ارشد نظام آموزشی معتقد است، به دلیل یکسان نبودن سطح کیفیت آموزش در مدارس، بازهم سهم مدارس خاص در رتبه های برتر کنکور پررنگ تر خواهد بود و مافیا به علت برگزاری دو کنکور در سال و شرط معدل و سوابق تحصیلی، به مدرسه و سه سال آخر دبیرستان ورود و تجارت کاسبان کنکور گسترش می یابد. لذا این مصوبات، عدالت آموزشی و عدالت در گزینش دانشجو و کیفیت آموزش را ارتقاء نمی دهد. اگرچه هر قدر به سمت آموزش و نقش مدرسه گام برداریم، در کلیت مفید است؛ اما مسئله بر سر تنوع مدارس و تفاوت میان کیفیت معلمان و کیفیت آموزش بین مدارس تهران و شهرستانها و حتی شمال و جنوب پایتخت است. جمعیت دانش آموزی در بعضی نقاط 40 نفر و در بعضی نقاط تنها 10 نفر است. شرایط معلمان هم در مدارس با یکدیگر تفاوت دارد و از طرفی شرایط اقتصادی خانواده ها نیز تأثیرگذار است، همه این ها علل در هم تنیده ای است که نشان می دهد مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی قادر به برقراری عدالت نیست.»